



۲۰۲۰/۰۹/۰۲

عبدالقیوم میرزاده

## کتاب زنان و مشکلات فرا روی شان در جامعه افغانی (قسمت سوم)

چنانچه گاندی در این باره میگوید: « عقیده شخصی من این است که مرد و زن برابر هستند، مسائل مربوط به ایشان هم در اصل باید برابر باشد. در هر دوی آن ها روح یکسان است، هر دو به یک شکل زنده گی می کنند و یک نوع احساس دارند. هر یک مکمل دیگری است و هیچ کدام نمی تواند بدون کمک های دیگری زنده گی کند..... من جداً عقیده دارم که آزادی و نجات یک کشور با فداکاری و روشن بینی زنان بستگی دارد. زن، مادر مرد است، چه کسی می تواند حد اکثر توانائی را برای محبت و تحمل رنج نشان دهد. زن با حمل فرزند خود در مدت نه ماه و تغذیه او از وجود خویش، از رنجی که تحمل می کند شادمان می شود. چه دردی ممکن است با رنج دردهای زایمان برابری کند؟ اما زن در لذتی که از آفرینش حس می کند این دردها را از یاد می برد. باشد که زن این محبت خود را به تمامی جامعه بشری منتقل سازد.» همین زنان اند که پرورش دهنده گان اعضای فردای این جامعه اند. آنها نه تنها چون مادران، تربیت دهنده گان و پرورش دهندگان فرزندان خود اند بلکه در عین زمان تربیت و پرورش جوانان و پدران فرزندان فردا را نیز به عهده دارند. ببینید، در این دایره مستمر حیات زنان کاملاً نقش تعیین کننده دارند که بر علاوه اشتراک خودش در اداره، سیاست، اقتصاد و جامعه از اهمیت فوق العاده برخوردار میباشد بحیث زن و مادر فردا و فردا های ما به بیداری و آگاهی ایشان وابسته میباشد. یعنی حقا که جواهر لعل نهرو به اهمیت مستمر این عیب اجتماعی پی برده و این قشر را آغاز گر بیداری ملت دانسته است. همانطوریکه در آغاز متذکر شدم مشارکت همه اقشار در پیشرفت و توسعه اقتصادی، سیاسی و تکنولوژیک امریست نهایت ضروری ولی زنان کشور ما که نیمی از ظرفیت و امکانات کشور را احتوا میکنند از شبکه این مشارکت کاملاً به دوراند. چنانچه پتروس گالی سر منشی سابق سازمان ملل متحد در پیام خویش به مناسبت بزرگداشت از روز جهانی حقوق بشر در ۱۰ دسمبر سال ۱۹۹۳ بیان داشت: « کرامت کامل انسان فقط به معنای آزادی از شکنجه نیست بلکه آزادی از گرسنگی هم معنی میدهد. .... کرامت کامل انسان در عین حال که به معنای حق رای و حق آزادی عقیده است، به معنای حق آموزش، حق بهداشت و رفاه نیز میباشد. در حقیقت کرامت انسان به معنای برخورداری از کلیه حقوق و عاری از هرگونه تبعیض است و توسعه صحیح به پایه ای استوار از دیمو کراسی و مشارکت عموم مردم اعم از زن و مرد نیازمند است.» ( صفحه ۲۸ گزارش عمومی سازمان ملل متحد سال

۱۹۹۳) یقیناً که هیچگاهی دیموکراسی بدون مشارکت برابر زن در کلیه امور اجتماع، سیاست و اداره عملی شدنی نیست، دیموکراتیزه کردن جامعه یعنی جامعه‌ باز برای مشارکت بیشتر یا به عباره دیگر مشارکت همه مردم خاصاً زنان بحیث نیم پیکر اهم جامعه در کلیه ساختار های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، قانون گذار و فرهنگی میباشد که به این ترتیب حکومت های اقتدار گرا تضعیف میگردند. البته در پروسه دیموکراتیزه کردن جامعه مولفه اصلی توانمندی برای احراز حقوق برابر در جامعه و سهم گیری در اداره و جهش بنیادین از حالت منفعل به نیروی بسیار فعال اجتماعی، خود زنان تعیین کننده سرنوشت خویش میباشد. برای این کار نه تنها کسب حقوق برابر و دریافت حق رای و آزادی عقیده مهم است بلکه زنان در جامعه ما باید سازمان هایی را برای دفاع از این حقوق و آزادی ها در برابر محافظه کاران سنتی و فرهنگ حاکم مرد سالار جامعه و آسیب های ناشی از آن ایجاد کرده و بصورت سراسری و افغانستان شمول توسعه دهند. زیرا مدعیان و محافظه کاران سنتی که قدرت لایزال چندین هزار ساله خویش را در خطر احساس میکنند هر از گاهی به شکل و شیوه های گوناگون و فتنه انگیز در جامعه فعال بوده و از هر راهی خصوصاً استفاده نا جایز از باور های دینی مردم در راه برابری جنسیتی و تحقق حقوق برابر زن و مرد در جامعه عمل میکنند. فقط سازمانهای دائماً فعال سراسری زنان اند که میتواند در برابر این هنجار ها چون دژ مقاوم ایستاده بوده و به این ترتیب زنان میتوانند برابری جنسیتی را در جامعه نهادینه کرده و بر فرهنگ مرد سالار با مبارزه بی امان غالب آیند. برای رسیدن به این هدف والا در گامهای نخستین به شیوه های علمی و قانونمند اجتماعی این قشر از نعمت سواد بهره مند گردد. در کتب درسی سواد آموزی و سیستم تدریسی مکاتب و مدارس ضرر های ناشی از عدم مشارکت زنان در تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و تربیتی بصورت فهما گنجانیده شود. ادارات مربوط شئون اسلامی و مدارس دینی بایست آیات مبارکه قرآن مجید را که از انسان به رغم موجود یکسان، بدون تفکیک برتر و ابتر یا فرادست و فرو دست به کرات یادآوری کرده است و آیاتی را که در باره قدسیت زنان و مادران یادآور شده است طی درسنامه ها و مواد توضیحی و خطبه های نماز های جمعه و سایر خطابه های دینی از توسط همه مبلغین مذهبی و امامان مساجد بحیث وظیفه انسانی و دینی تبلیغ نمایند. سازمانها و ارگانهای حمایت از حقوق زنان به شیوه ها و ذرایع موثر و ممکن زنان را به این باور برسانند که بدون مشارکت آنها در تحولات اجتماعی هیچگاه خانواده خوشبخت نمیداشته باشد، یعنی خوشبختی خانواده و جامعه مستقیماً به او رابطه دارد، نباید در زیر فشار کشور های خارجی و موسسات آنها که از طرف تمویل کننده گان شان میلیون ها دالر را به این منظور دریافت میکنند تنها به اشتراک زنان به حیث سوژه های نمادین، سمبولیک و نمایشی در ساختار اداره بسنده کرد. نباید اجازه داده شود تا از زنان تنها در پر کردن صندوق های رای آنها برای کامیابی همان جنگ سالاری که زن را در محکمه صحرايي در ملای عام دره زده و سنگسار میکند سوء استفاده گردد، چنانچه این نکته از جانب همه جامعه شناسان کاملاً پذیرفتنی است که زنان تنها با داشتن حق رای صاحب تمام حقوق شهروندی کامل سیاسی نمیگردند. بسیار ضروری است تا هویت، شخصیت و طرز فکر نمایندگان زن در ارگانهای انتخابی و انتصابی کشور با هویت، شخصیت و طرز فکر رای دهنده گان زن یکسان گردد، آنوقت است که ما میتوانیم از یک مشارکت قانونمند اجتماعی و نهادینه شده بحث کنیم، آنگاه است که زنان میتوانند در تمام مشارکت ها اعم از مشارکت سیاسی یعنی شرکت ارادی و آگاهانه، دایمی و یا دوره

ای در پرتو قوانین برای انتخاب شدن و یا انتخاب کردن مقامات رهبری کننده دولت قوه های مقننه، قضاییه و اجراییه و یا ادارات انتخابی دیگر، مشارکت اجتماعی یعنی شرکت آگاهانه و داوطلبانه در بسط و توسعه مسئولیت پذیری، خرد ورزی برای انکشاف جامعه که باعث ثبات و توازن جامعه میگردد و مشارکت اقتصادی یعنی شرکت آگاهانه و داوطلبانه مردم در پروسه تولید و توزیع مناسب و عادلانه، مصرف اشیای تولیدی، سرمایه گذاری، صرفه جویی و پس انداز، استفاده موثر از همه منابع بخصوص منابع کمیاب و بصورت کل مشارکت اقتصادی به مفهوم اشتراک آگاهانه و داوطلبانه مردم در همه امور مربوط به معیشت و اقتصاد میبایستد برخوردار گردند. ادارات تعلیم و تربیه و تحصیلات عالی و اطلاعات و فرهنگ در راستای با سواد سازی، آگاهی و دانش تخصصی و مسلکی زنان تدابیر جامعه شناسانه ای را به اجرا در آورند. جلب زنان در پروسه تولید صنعتی و تکنولوژیک و در عین زمان تدابیر آگاه سازی یکی از راه های دیگریست که به بیداری و مشارکت زن در اجتماع کمک میکند. تأسیس کودکان ها، شیرخوارگاه ها، ادارات خصوصی نظافت و توسعه شبکه های غذای آماده و قابل دسترس برای عموم در سراسر کشور یکی دیگر از راه های رهایی زن از سیطره این مفکوره حاکم که او تنها فرد بی بدیل فرزند داری و نظافت خانه و خانواده است، میبایستد.

استقلال فکری زن جامعه ما از سیطره فرهنگ حاکم موجود همچنان وابسته است به معیشت اقتصادی زن که از جانب مرد تأمین میگردد و زنان جامعه ما بنا بر وضعیت موجود تنها امید شان به مرد نفقه ده است. اگر اصل مشارکت در جامعه تأمین گردد و همه اتباع به ماهیت این اصل پی ببرند، زنان کشور ما در سیستم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بحیث عناصر داوطلب، آگاه و هدفمند جا داشته باشند و خود را توانمند، مستعد، معاش بگیر و مستقل احساس کنند، آنگاه است که این فرهنگ جایش را به مشارکت یکسان همه اعضای جامعه میدهد و زن در ساختار جامعه جایش را بحیث انسان کامل الحقوق احراز میکند و رفاه و معیشت سراسری از این مشارکت حاصل میگردد. مشارکت زنان در حوزه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور از یکطرف حقوق شهروندی و دیموکراسی را در تمام ساختار های حیات کشور نهادینه و تکمیل میکند و از طرف دیگر متضمن پیشرفت و اعتلای جامعه بوده و باعث رفاه عمومی و بلند رفتن سطح درآمد خانواده ها میگردد.

از یک نگاه گذرا بر وضعیت زنان در جهان چنین میتوان نتیجه گرفت با آنکه زن شایسته ترین، شریف ترین، گرامی ترین گوهر ناب هستی و قابل حرمت گذاری است اما تقریباً در همه دنیا و در تمام عرصه های زنده گی اعم از اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تفاوت های جنسیتی به نفع هژمونی مرد پیوسته وجود داشته و کماکان ادامه دارد. گرچه مصمم هستیم تا در فصول بعدی این نوشتار همه عوامل، انگیزه ها، دلایل، موجبات و سبب های این روش تبعیضی جنایت بار که بر نیم پیکر با شرافت و نجابت جامعه بشری روا میدارند توضیح مفصل کنم اما در اینجا به اختصار باید یاد آورگردم که صرف نظر از نخستین انگیزه های پیدایش فرهنگ مرد سالار اصولاً نا آگاهی انسان از اصل شناخت کنه ذاتی حق و برابری حقوق زن با مرد می باشد. همین نا آگاهی مرد از اصل اصیل (حرمت، نجابت، کرامت) حقوق زن در تاریخ بشری بوده است که تبعیض علیه زنان را بمفهوم قابل شدن تمایز بر اساس جنسیت در ذهن و عمل مردان تبیین می کند. درحالیکه زنان همواره همچو مردان دارای کرامت گوهری اند و از نظر مقام فضیلتی و حقوق حقه انسانی باهم برابر و در بسا موارد و الاثر از مرد فضیلت دارند. ترویج باور های

کلیشه ای و نظر فریب که با امتیاز دادن به چند نمونه نمادین زن بحیث نماینده زنان در اهرم های زیر اداره مردان باورمند به فرهنگ مرد سالارحقیقت را پنهان کرده و راه بازشناختی پایه های مادی و معنوی برای یک جامعه که همه افراد آن با حقوق برابر زنده گی کنند را سد میگردد و در بسیاری از حالات تحقق آنرا ناممکن میسازد. در همه ساختار ها، حاکمیت های سیاسی، قدرت دولتی و ساختار های ملی و مذهبی چه در آن دور های تاریخ بشری و چه امروزحکایت از یک بینش آزار دهنده، فریبنده، مخدوش و تبعیض آمیز دارد. چه حکمتی را میتوان بازگو کرد که خداوند(ج) در زمرة ۱۶۴۰۰۰ پیغمبر خویش یکی را زن نفرستاد؟ آیا این همه باور ها که قدسیت آنرا به عرش معلی نسبت میدهند ساخته سیستم فرهنگ مرد سالار نیست؟ همه شاهان، امپراتوران، نامداران تاریخ، فیلسوفان و ... و ... همه و همه مردان اند. من تنها یک جواب دارم و آن اینکه این سیستم را در کلیت نا برابر تبعیض آمیز و ضد انسانی بشمارم.

از اواسط نیمه دوم قرن بیستم تحولات ژرف و وسیع اقتصادی و اجتماعی درکشور های پیشرفته صنعتی به تغییرات بسیار امیدوار کننده برای بهتر شدن وضعیت زنان در بسا کشور های پیشرفته صنعتی منجر گردیده است که میتواند مایه امیدواری برای بهتر شدن وضع زن و یا افول فرهنگ مرد سالار در جامعه بشری منجر گردد. رفع عینی و ریشه ای این جنایت هولناک بشری که تقریباً در همه ادوار تاریخ بالای نیمی از بهترین و شایسته ترین قشر جامعه بشری جریان داشت به همان اندازه ای که به دگر اندیشی جهانی در باره زنان بازسازی و بازشناختی پایه های مادی و معنوی شعوراجتماعی و اخلاق اجتماعی و بررسی ماهیت نظام های حاکم و فرهنگ ضد زن منوط و مربوط میباشد به همان اندازه به بیداری، آگاهی، اتحاد سازمانی زنان نیز نیازمند است.

گرچه اقدامات عملی زنان برای استیفای حقوق شان همراه با تشکلات مدنی و ایجاد کلوب ها، انجمن ها، سازمانها و جنبش های اختصاصی زنان برای مبارزه با تبعیضات جنسیتی در سطح کشور ها و خشونت خانواده گی در بسا کشور های صنعتی و کشور های رو به انکشاف و همگام شدن سازمان های جهانی و سازمان ملل متحد زمینه را مساعد گردانید تا میثاق ها، اسناد معتبر حقوقی بین المللی را برای تعاریف و توضیح تیوریک تبعیضات جنسیتی، خشونت علیه زنان و راهکار های عملی برای بلند بردن نقش زنان در فرایند رفاه عمومی کشور و توسعه اقتصادی به تصویب اسامبله عمومی سازمان ملل متحد رسیده و راه را برای سیاستهای عملی کشور ها و سازمانهای جامعه مدنی و زنان برای مبارزه با سیستم های مرد سالاری و محافظه کاران حافظ این سیستم مهیا ساخته است. این اسناد تیوریک- اقتصاد دانان و گرداننده گان چرخ های اقتصادی کشور های صنعتی و رو به انکشاف را متوجه ساخت که زنان به عنوان نیمی از نیروی مولد جوامع بشری تا کنون بنابر سیاست های تبعیضی جامعه مرد سالاراز روند توسعه اقتصادی بدور مانده بودند که با استفاده از این پوتانسیل عظیم میتوان به آسانی به توسعه و رفاه عمومی رسید.

بنابر این سیاست ها و راهکار های جدید زنان با برخورداری از حقوق برابر با مردان و پایگاه اجتماعی مناسب در کشور و دسترسی همسان با مردان در بازار کار و اداره سیاسی و اقتصادی کشور به کمترین زمان این کشور ها به توسعه اقتصادی رسیده و از رفاهیت اقتصادی و اجتماعی بهره مند گردیده اند. اما هنوز هم در هیچ نقطه دنیا زنان نتوانسته اند بطور کامل به امکانات و فرصت های برابر با مردان

دسترسی پیدا کنند. یعنی جامعهٔ مرد سالار کماکان سیطره اش را حفظ کرده و درجه بهره گیری و بهره جویی زنان از امکانات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برابر با مردان در جوامع مختلف به تناسب موفقیت های زنان در مبارزه با بی عدالتی و تبعیض جنسیتی به درجه های مختلف میباشد.



[برای مطالب دیگر این نویسنده ، اینجا کلیک نمائید.](#)

